

Challenges and Limitations of Rational Education from the Perspective of al-Fārābī

Maryam Nasr Esfahani¹, Reza Ali Nowrozi²

¹ PhD. Student, Philosophy of education, Department of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.nasr69@gmail.com

² Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran (**Corresponding author**). r.norrouzi@edu.ui.ac.ir

Abstract

This study endeavors to examine the obstacles to rational education based on the philosophical thought of Abū Naṣr al-Fārābī (d. 950 CE), analyzing its role in the formation of an intellect-centered society. The central research question addresses the factors impeding the flourishing of the rational faculty. Employing a descriptive phenomenological methodology through Colaizzi's approach, the study scrutinizes al-Fārābī's primary works, notably *Ārā' Ahl al-Madīnah al-Fāḍilah* ("The Opinions of the People of the Virtuous City") and *al-Siyāsah al-Madaniyyah* ("The Political Regime"), to attain a profound understanding of the barriers to rational education. The findings identify nine principal impediments: ignorance, fanaticism and blind imitation, weakness of will, dominance of appetitive and irascible faculties over the soul, unhealthy public culture, superstitions, absence of rational role models, linguistic errors, irrational structures, and despotism coupled with the lack of meritocracy. Consequently, the study proposes reforms in the educational system to bolster critical thinking, promote a culture grounded in rationality, and enhance meritocracy within governance structures. The research underscores the necessity of revisiting al-Fārābī's philosophical insights to address contemporary crises and elevate rational thought in modern societies.

Keywords: Rational Education, Al-Fārābī, Intellect-Centered Society, Rationality, Islamic Philosophy.

Received: 2024/12/12 ; Revised: 2025/01/14 ; Accepted: 2025/01/23 ; Published online: 2025/03/26

Cite this article: Nasr Esfahani, M. & Nowrozi, R.A. (2025). Challenges and Limitations of Rational Education from the Perspective of al-Fārābī. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(1), p. 87-104.
<https://doi.org/10.48310/riet.2025.18836.1395>

Publisher: Farhangian University

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article





چالش‌ها و محدودیت‌های تربیت عقلانی از منظر فارابی

مریم نصر اصفهانی^۱، رضاعلی نوروزی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

m.nasr69@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

r.norrouzi@edu.ui.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر موانع تربیت عقلانی را براساس اندیشه فارابی بررسی کرده و نقش آن را در شکل‌گیری جامعه‌ای خردمحور تحلیل می‌کند. پرسش اصلی این است که چه عواملی مانع شکوفایی قوه عقل می‌شوند؟ این پژوهش با روش پدیدارشناسی توصیفی به شیوه کلایزی، انجام شده است و برای رسیدن به درک عمیقی از موانع تربیت عقلانی، منابع اصلی فارابی به‌ویژه «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسه المدنیه» را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۹ مورد از جمله جهل، تعصب و تقلید کورکورانه، ضعف اراده، غلبه قوای شهوانی و غضبی بر نفس، فرهنگ عمومی ناسالم، خرافات، فقدان الگوهای عقلانی، خطاهای زبانی، ساختارهای غیرعقلانی و استبداد و غیرشایسته‌سالاری، موانع اصلی تربیت عقلانی محسوب می‌شوند. بر این اساس، اصلاح نظام آموزشی برای تقویت تفکر انتقادی، ترویج فرهنگ مبتنی بر خردورزی و ارتقای شایسته‌سالاری در نظام حکومتی، از جمله راهکارهای پیشنهادی برای رفع این موانع هستند. این پژوهش بر ضرورت بازخوانی اندیشه‌های فارابی برای حل بحران‌های معاصر و ارتقای تفکر عقلانی در جوامع امروز تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت عقلانی، فارابی، جامعه خردمحور، عقلانیت، فلسفه اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

استناد به این مقاله: نصر اصفهانی، مریم؛ نوروزی، رضاعلی (۱۴۰۴). چالش‌ها و محدودیت‌های تربیت عقلانی از منظر فارابی. پژوهش در آموزش

معارف و تربیت اسلامی، ۱۶(۱)، ص ۸۷-۱۰۴. <https://doi.org/10.48310/RIET.2025.18836.1395>



۱. مقدمه

در جوامع معاصر، ضعف در تفکر انتقادی و کاهش نقش عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی به چالش‌های اساسی تبدیل شده‌اند (لیپمن^۱، ۲۰۱۲). برای مثال، در جوامعی که درگیر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی هستند، تصمیمات عجولانه یا تحت تأثیر احساسات غالب، باعث گسترش مشکلاتی چون فساد، بی‌عدالتی و ناتوانی در حل مسائل پیچیده می‌شود. بسیاری از نظام‌های آموزشی، به جای پرورش تفکر مستقل، بر آموزش‌های تکنیک‌محور و مهارت‌های کاربردی تأکید دارند که نتیجه آن، تضعیف بنیادهای عقلانی و اخلاقی جامعه است. این موضوع دستمایه نظرات اندیشمندان متعددی شده است. به عنوان مثال، هابرماس^۲ در نظریه عقلانیت ارتباطی خود به اهمیت تفکر مستقل و انتقادی اشاره دارد و در این راستا انتقاداتی هم به نظام‌های آموزشی تکنیک‌محور و مهارت‌محور دارد (هابرماس، ۱۴۰۰). همچنین دیویی معتقد بود که هدف اصلی آموزش نباید فقط انتقال مهارت‌های فنی و کاربردی باشد؛ بلکه باید به پرورش تفکر مستقل و توانایی‌های تحلیلی افراد در مواجهه با مسائل پیچیده دنیای واقعی توجه کند (دیویی^۳، ۲۰۲۱ م). فریره^۴ (۱۴۰۳)، آرنست^۵ (۱۴۰۲) و مارکوزه^۶ (۱۴۰۲) نیز از دیگر اندیشمندانی هستند که در این موضوع، نظر داشته‌اند.

ابونصر فارابی، فیلسوف برجسته اسلامی، از جمله اندیشمندانی است که با تلفیق حکمت یونانی و تفکر اسلامی، نظام فلسفی منسجمی را پایه‌ریزی کرد. وی در آثار خود، به‌ویژه «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسه المدنیه»، به نقش تربیت عقلانی در شکل‌گیری جامعه‌ای آرمانی پرداخته است. او معتقد است که سعادت فردی و اجتماعی بدون پرورش عقلانی انسان‌ها ممکن نیست و عواملی را به عنوان موانع اساسی در مسیر تحقق این هدف، معرفی می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۲۵-۳۵). فارابی به عنوان یکی از بنیان‌گذاران فلسفه سیاسی و اجتماعی در سنت اسلامی، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. تاکنون، مطالعات متعددی درباره مفهوم مدینه فاضله، ساختار حکمرانی و نقش عقل در نظام سیاسی او انجام شده است. ولی تربیت عقلانی به عنوان یکی از محورهای اصلی در فلسفه فارابی، کمتر مورد توجه پژوهشگران تربیتی بوده است. در سال‌های اخیر، برخی تحقیقات به بررسی ابعاد مختلف

-
1. Lipman
 2. Habermas
 3. Dewey
 4. Freire
 5. Arendt
 6. Marcuse

تربیت عقلانی از منظر فارابی پرداخته‌اند؛ که در ادامه، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

عادل‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی تربیت عقلانی از منظر فارابی با تأکید بر عقل عملی»، به ارائه الگویی از تربیت عقلانی فارابی با تمرکز بر عقل عملی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هدف غایی تربیت عقلانی از دیدگاه فارابی، نیل به خداوند به‌عنوان علت اول و رسیدن به سعادت است. اهداف واسطه‌ای شامل فعلیت یافتن قوه عاقله، تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه، ایجاد فضایل اخلاقی، و تحقق مدینه فاضله است. اصول تربیت عقلانی در این حوزه شامل آمادگی، تربیت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، و عدم تمامیت شناخت انسان است. روش‌های تربیتی نیز شامل مشاهده، کسب تجربه، تهذیب اخلاق، و آموختن حکمت است.

نانکلی^۱ و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی»، هرچند به بحث تربیت اجتماعی پرداخته‌اند؛ ولی به این نتیجه رسیده‌اند که در دیدگاه فارابی، تربیت اجتماعی مبتنی بر کسب توانمندی‌ها، براساس نظام معیار عقلانی است که متریان را قادر می‌سازد برای دستیابی به سعادت غایی در مدینه فاضله، تحت نظر رئیس مدینه تربیت شوند و از طریق تعاون در آن مدینه به سعادت حقیقی نایل آیند.

عادل‌زاده و همکاران (۱۳۹۹ الف)، در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تدوین مدل تربیت عقلانی فارابی با تأکید بر عقل نظری»، به ارائه مدلی از تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل نظری پرداخته است. هدف غایی این مدل، رسیدن به خداوند به‌عنوان علت اول و سعادت نهایی است. اهداف واسطه‌ای شامل رسیدن به رتبه وجودی عقل فعال، کمال عقل نظری، و دستیابی به معرفت تام از طریق قوه متخیله و ناطقه است. اصول تربیت عقلانی در این حوزه شامل شایستگی ذاتی، تربیت‌پذیری، و ترکیب نظر و عمل می‌باشد. روش‌های تربیتی نیز شامل آموزش فلسفه، استقراء، تمثیل، و آموختن حکمت است. عادل‌زاده و همکاران (۱۳۹۹ ب) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از دیدگاه فارابی»، روش‌هایی مانند مشاهده، کسب تجربه، و آموختن حکمت را به‌عنوان روش‌های اصلی تربیت عقلانی معرفی کرده‌اند. همچنین عادل‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی»، به تبیین اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اصول تربیت عقلانی در حیطه عقل نظری شامل تعلیم، راهنمایی، و لزوم آموزش است. در حیطه عقل عملی نیز اصولی مانند آمادگی، تربیت‌پذیری، و مسئولیت‌پذیری مطرح شده است. پژوهش‌های اخیر

نشان می‌دهند که تربیت عقلانی از منظر فارابی، فرآیندی جامع است؛ که هم به تعالی فردی و هم به تحقق جامعه آرمانی می‌انجامد.

۲. نوآوری پژوهش

نوآوری این پژوهش در تحلیل نظام‌مند موانع تربیت عقلانی از دیدگاه فارابی است. برخلاف مطالعاتی که صرفاً به تشریح مدینه فاضله یا نقش حاکم فیلسوف پرداخته‌اند؛ این تحقیق بر موانعی تمرکز دارد که مانع تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عقلانیت می‌شوند. با اینکه برخی پژوهش‌ها به نقش تربیت عقلانی در اندیشه فارابی پرداخته‌اند؛ اما کمتر تحقیقی به‌طور نظام‌مند و جامع به شناسایی و تحلیل موانع این تربیت در دیدگاه وی پرداخته است.

۳. مسئله پژوهش

با توجه به اهمیت دیدگاه‌های فارابی در زمینه تربیت عقلانی، این پژوهش با تأکید بر اهمیت عقلانیت به‌مثابه محور توسعه فردی و اجتماعی، تلاش می‌کند تا موانعی را که او در مسیر تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عقلانیت ترسیم کرده است، بررسی کند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که «فارابی چه موانعی را بر سر راه تربیت عقلانی انسان، شناسایی می‌کند؟» بازخوانی اندیشه‌های فارابی درباره موانع تربیت عقلانی، تنها یک پژوهش تاریخی نیست؛ بلکه دریچه‌ای به سوی حل بحران‌های معاصر است. این مطالعه نه تنها به درک بهتر فلسفه اجتماعی فارابی کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند مبنایی برای تحلیل بحران‌های معاصر در حوزه تربیت و عقلانیت فراهم آورد. با این حال، هنگام مطالعه اندیشه‌های متفکران گذشته، باید به تأثیرات تاریخی بر دیدگاه‌های آنها توجه داشت. در همین راستا، یکی از نقدهای احتمالی به آراء فارابی این است که، نگاه او به عقلانیت ممکن است تحت تأثیر شرایط زمانه‌اش قرار گرفته باشد؛ همچنین ممکن است برخی مفاهیم کلیدی در اندیشه فارابی، در طول تاریخ تغییر مفهوم داده باشد و محقق، با محدودیت‌هایی در رسیدن به درک عمیقی از مقصود اندیشمند، مواجه است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای نظری و تحلیلی است و از روش پدیدارشناسی توصیفی به‌شیوه کلاسیک^۱، بهره برده است. پدیدارشناسی، روشی است که در پی شناسایی معنای ذاتی و تغییرناپذیر مسئله تحت بررسی است. این روش، به دو نوع عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود. معمولاً پدیدارشناسی

توصیفی با روش کلایزی و پدیدارشناسی تفسیری با روش دیکلمن^۱ انجام می‌شود. پدیدارشناسی توصیفی روشی است که در آن هدف، شناسایی و تحلیل تجربه‌های فردی یا پدیده‌ها از زاویه نظر مشارکت‌کنندگان یا منابع مختلف است. در این پژوهش، هدف، دست یافتن به درک عمیقی از موانع تربیت عقلانی در اندیشه فارابی است. مراحل روش پدیدارشناسی عبارتند از: طرح سؤال پژوهشی، نمونه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها. در پژوهش حاضر، براساس سؤالات پژوهشی مطرح‌شده، گردآوری داده‌ها با مراجعه به کتاب‌های فارابی از طریق تحلیل اسناد و مدارک کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و مفهومی انجام شد. نمونه‌های هدفمند از منابع مورد مطالعه، استخراج شده و با ادامه یافتن روند پژوهش، منابع جدید به منابع قبلی اضافه شد. واحد تحلیل، گزاره‌های کلیدی مرتبط با مفهوم عقلانیت در آثار فارابی بود. نمونه‌گیری، تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری به این معنا است که با ادامه تحلیل و استخراج مفاهیم از منابع مختلف، دیگر هیچ مفهوم جدید یا قابل توجهی برای افزودن به تحلیل‌ها وجود نداشته باشد (گال^۲، بورگ^۳ و وال^۴، ۱۴۰۳، ص ۵۳).

تحلیل داده‌ها براساس هفت گام روش تحلیلی کلایزی انجام شد. در روش کلایزی، هفت مرحله تا رسیدن به هدف باید طی شود (وال^۵، ۲۰۱۲، ص ۵۹-۶۱): (۱) مطالعه چندباره داده‌ها به‌منظور درک دقیق آنها؛ (۲) استخراج جملات مهم مرتبط با پدیده مورد نظر (در این پژوهش، مفاهیم مورد نظر)؛ (۳) روشن‌سازی مفاهیم پنهان در جملات مهم (در این مرحله، تلاش می‌شود برای هر واحد نمونه انتخاب‌شده، یک عبارت کوتاه نوشته شود که توصیفی از معنای پنهان آن باشد)؛ (۴) دسته‌بندی مفاهیم به‌دست آمده از متون مختلف در خوشه‌های موضوعی؛ (۵) ترکیب نتایج و به‌دست آوردن توصیفی جامع از طریق اعمال یک نظم و ساختار به خوشه‌ها؛ (۶) مراجعه مجدد به نمونه و اعتبارسنجی یافته‌ها؛ (۷) تفسیر نتایج و پاسخ به سؤالات پژوهش (کلایزی، ۱۹۷۸، ص ۵۹-۶۱؛ اکبری بورنگ و پور، ۱۴۰۰، ص ۴۸). شایان ذکر است که مراحل هفت‌گانه روش کلایزی، منعطف هستند و به‌صورت رفت و برگشتی انجام می‌شوند. در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند به این شکل انجام گرفت که فقط به منابعی پرداخته شد که به‌طور مستقیم به موضوع تربیت عقلانی و موانع آن در آثار فارابی مرتبط بودند. منابع اصلی این تحقیق، دو اثر مهم فارابی، یعنی «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسه المدنیه»، هستند و در کنار این دو منبع

1. Diekelmann

2. Gall

3. Borg

4. Valle

اصلی، کتب دیگر فارابی و پژوهش‌های پیشین در زمینه نظریات فارابی نیز، مورد بررسی قرار گرفتند. در این مطالعه، مفاهیم کلیدی مرتبط با تربیت عقلانی، استخراج و تحلیل شده و موانع ذکر شده توسط فارابی، در این زمینه بررسی شدند. برای تحلیل داده‌ها با روش کلایزی، در مرحله اول، آثار فارابی چندین بار مطالعه شد. در مرحله دوم، جملات مهم مرتبط با موانع رشد و تربیت عقلانی، از منابع مورد مطالعه، استخراج شد. در مرحله سوم، تلاش شد تا هر واحد نمونه، با عبارتی کوتاه توصیف شود که بیانگر معنای پنهان در آن جملات باشد. در مرحله چهارم، مفاهیم به دست آمده در سه دسته طبقه‌بندی شدند؛ که موانع تربیت عقلانی را به موانع فردی، اجتماعی و حکومتی دسته‌بندی می‌کند. در مرحله پنجم، تلاش شد توصیفی جامع و منسجم از خوشه‌های موضوعی به دست آید. در مرحله ششم، به منظور اعتبارسنجی یافته‌ها، پس از تحلیل اولیه، داده‌ها دوباره بررسی شدند؛ تا از صحت و دقت نتایج، اطمینان حاصل شود. همچنین، نظرات کارشناسان در زمینه فلسفه اسلامی برای اعتبارسنجی بیشتر نتایج اخذ گردید. در مرحله پایانی، با بررسی نتایج به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شد.

۵. عقلانیت و تربیت از منظر فارابی

ابونصر فارابی، جایگاه ویژه‌ای برای عقل و عقلانیت در فلسفه خود قائل است. وی عقل را نه تنها به عنوان یک قوه شناختی، بلکه به عنوان عنصر اساسی در تحقق سعادت انسانی و اساس شکل‌گیری جامعه‌ای مطلوب معرفی می‌کند. به اعتقاد فارابی، عقلانیت، هم در ساحت نظری (شناخت حقیقت و درک اصول کلی) و هم در ساحت عملی (تنظیم رفتار و تصمیم‌گیری اخلاقی) نقش دارد. از این رو، مسئله تربیت عقلانی، یکی از مهم‌ترین موضوعات در اندیشه او محسوب می‌شود. فارابی معتقد است که عقل دارای مراتبی است که انسان با طی این مراتب، به کمال عقلانی و شناخت حقیقی می‌رسد. نخستین مرتبه، عقل بالقوه است که در آن، انسان استعداد شناخت را دارا است؛ اما هنوز به فعلیت نرسیده است. با کسب تجربه و آموزش، عقل وارد مرحله عقل بالفعل می‌شود؛ که در آن، انسان قادر به استدلال و تشخیص مفاهیم کلی می‌شود. مرحله بعدی، عقل مستفاد است که در آن، فرد به دانش یقینی دست می‌یابد و می‌تواند بدون نیاز به تجربه مستقیم، حقایق را درک کند. بالاترین مرتبه، عقل فعال است که از دیدگاه فارابی، واسطه‌ای میان عقل انسانی و عقل کلی به شمار می‌رود و سرچشمه تمامی معارف و الهامات عقلانی است (فارابی، ۱۳۹۷، ص ۲۷-۳۴). به اعتقاد فارابی، عبور از این مراتب، نیازمند آموزش، تفکر، و محیط اجتماعی مناسب است؛ که به فرد امکان می‌دهد قوه عقلانی خود را شکوفا سازد و به سعادت حقیقی نائل شود.

عقلانیت از دیدگاه فارابی به معنای توانایی استدلال، شناخت اصول حاکم بر هستی و حرکت به سوی سعادت است. او معتقد است که عقلانیت نه تنها جنبه‌ای معرفتی دارد؛ بلکه بُعدی عملی نیز دارد که در زندگی فردی و اجتماعی انسان نمود پیدا می‌کند. فارابی در تحلیل خود از عقلانیت، میان دو نوع عقلانیت تمایز قائل می‌شود: عقلانیت نظری که به شناخت حقیقت، درک مفاهیم کلی و بررسی هستی‌شناختی امور می‌پردازد. عقلانیت عملی که به تنظیم رفتار، تشخیص خیر و شرّ، و تدوین اصول اخلاقی و سیاسی برای زندگی اجتماعی مربوط می‌شود (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۸). در نظام فلسفی فارابی، تربیت به معنای فرآیندی است که از طریق آن، افراد جامعه تحت آموزش‌های عقلانی و اخلاقی، به شهروندانی خردمند و فضیلت‌محور تبدیل می‌شوند. فارابی تربیت عقلانی را فرآیندی می‌داند که در آن، انسان از مرتبه عقل بالقوه به عقل مستفاد سوق داده می‌شود و از طریق آن، به کمال و سعادت حقیقی می‌رسد. او بر این باور است که تربیت عقلانی بدون بهره‌گیری از آموزش فلسفی و منطق، امکان‌پذیر نیست. در این راستا، مطالعه علوم عقلی مانند فلسفه و منطق به انسان کمک می‌کند تا بتواند حقایق را از اوهم تفکیک کند و به درک روشن‌تری از هستی دست یابد. او در این زمینه می‌گوید: «صناعت منطق، به‌طور کلی قوانینی را به دست می‌دهد که پیروی از آنها باعث استقامت خرد می‌شود و در مواردی که ممکن است در بعضی از معقولات برای آدمی اشتباهی پیش آید؛ او را به راه درست و حقیقت رهنمون می‌سازد» (فارابی، ۱۳۸۹، ص ۵۱). فارابی بر این باور است که انسان باید از سنین کودکی با شیوه‌های صحیح تفکر آشنا شود و از روش‌هایی که به تعصبات و جزم‌اندیشی می‌انجامد، پرهیز کند. او تأکید دارد که جامعه نیز در این فرآیند، نقش به‌سزایی دارد و باید بستری مناسب برای تفکر عقلانی فراهم کند. در این راستا، او در «المدينة الفاضله» تصریح می‌کند که جامعه‌ای که تحت هدایت حکمت و فلسفه باشد، بهترین شرایط را برای تربیت عقلانی افراد فراهم می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۶-۱۱۷). می‌توان چنین برداشت کرد که از منظر فارابی، پدیده تربیت عقلانی مستلزم تقویت قوه استدلال است.

عقل و دین در اندیشه فارابی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند؛ بلکه مکمل یکدیگرند. به باور او، عقل باید دین را تفسیر کند و آن را در مسیر درستی قرار دهد؛ در حالی که دین نیز می‌تواند هدایت‌کننده عقل باشد. او بیان می‌کند که «اگر جامعه‌ای بخواهد به کمال برسد، باید پیوندی میان عقل و شریعت برقرار شود تا افراد به درک حقیقی از سعادت نائل شوند» (فارابی، ۱۳۹۶). در این میان، وی از حکمت نبوی سخن می‌گوید که در آن، پیامبران به عنوان راهبران عقلانی جامعه، مردم را به سوی خیر و فضیلت هدایت می‌کنند.

نقش حکومت و محیط اجتماعی در تربیت عقلانی نیز از دیدگاه فارابی بسیار حیاتی است. او معتقد

است که تنها در یک جامعه فاضله که تحت رهبری یک فیلسوف-شاه قرار دارد، امکان پرورش عقلانی به نحو احسن فراهم می‌شود. در این جامعه، حاکمان براساس عقلانیت و دانش عمل می‌کنند و آموزش‌های لازم را برای رشد فکری و اخلاقی افراد ارائه می‌دهند. به گفته فارابی: «مدینه فاضله آن است که در آن حکمت، برترین مقام را دارد و تمامی شهروندان در مسیر کمال عقلی حرکت می‌کنند» (فارابی، ۱۳۷۹).

در نهایت، فارابی معتقد است که جامعه‌ای که در آن انسان‌ها با عقلانیت پرورش یابند، از تعصبات، جهل و استبداد دور خواهد ماند و به سوی عدالت و سعادت حقیقی حرکت خواهد کرد. از این رو، او تأکید دارد که آموزش عقلانی نه تنها وظیفه فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی و حکومتی نیز هست. وی به این موضوع اشاره می‌کند که «تعلیم و تربیت باید در جهت سوق دادن انسان به شناخت حقیقت باشد و هیچ جامعه‌ای بدون تربیت عقلانی به سعادت نخواهد رسید» (فارابی، ۱۹۹۵). پس، در آراء فارابی، تربیت عقلانی نه تنها موجب رشد فردی، بلکه سبب تعالی جامعه نیز می‌شود.

وی در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» (فارابی، ۱۳۹۷، ص ۹۳-۹۶) و «سیاسة المدینه» (فارابی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۲-۱۲۶)، به بررسی انواع مدینه‌ها (شهرها یا جوامع) براساس میزان بهره‌گیری از عقل و تأثیر آن بر ویژگی‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی‌شان می‌پردازد و جوامع را در دو دسته مدینه فاضله و مدینه غیرفاضله دسته‌بندی می‌کند. مدینه فاضله، جامعه‌ای است که در آن، مردم به سعادت حقیقی دست یافته‌اند و تحت رهبری یک حکیم فیلسوف قرار دارند. در این جامعه، عدالت، فضیلت و خیر بر همه چیز حاکم است و مردم به همکاری و تعاون برای رسیدن به کمال انسانی تشویق می‌شوند. فارابی معتقد است که تنها در مدینه فاضله است که انسان‌ها می‌توانند به کمال و سعادت واقعی دست یابند و سایر مدینه‌ها به دلیل دوری از حقیقت و فضیلت، محکوم به شکست و نابودی هستند. در مقابل «مدینه فاضله» (جامعه آرمانی)، فارابی چند نوع مدینه غیرفاضله (ناقص یا فاسد) را تعریف می‌کند که هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. مدینه‌های غیرفاضله به دلیل فقدان رهبری حکیمانه و دوری از فضیلت، در جهالت، فساد یا آشفتگی به سر می‌برند. مردم این جوامع، به جای سعادت حقیقی، به اهداف مادی، قدرت یا لذت‌های زودگذر مشغول هستند.

۶. چالش‌ها و موانع تربیت عقلانی

عقلانیت و تربیت عقلانی، همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که مانع از شکوفایی کامل قوه عقل در انسان می‌شوند. فارابی در اندیشه فلسفی خود، تحقق عقلانیت و تربیت عقلانی را وابسته به شرایطی می‌داند که در صورت فقدان آنها، موانعی جدی برای رشد عقلانی انسان ایجاد می‌شود (فارابی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۶). به نظر می‌رسد، می‌توان موانع عقلانیت از منظر فارابی را، در سه سطح فردی، اجتماعی و

حکومتی، طبقه‌بندی و بررسی کرد. این موانع باعث می‌شوند که انسان از مسیر دستیابی به حقیقت و سعادت منحرف شود و در جهل، تعصب و ناآگاهی باقی بماند. شناخت این موانع و تلاش برای رفع آنها، امری ضروری در جهت رسیدن به جامعه‌ای مبتنی بر خردورزی است.

۱-۶. چالش‌ها و موانع فردی

چالش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود، مواردی است که اگر در فرد متجلی شود، مانعی در مسیر شکوفایی عقل و کمال و سعادت ایجاد می‌کند و رفع آن نیز در سطح فردی قابل پیگیری است. این دسته موانع در چهار مورد مطرح می‌شود: جهل و ناآگاهی، تعصبات و تقلید کورکورانه، ضعف اراده، و غلبه قوای شهوانی و غضبی بر نفس. در ادامه، توضیح تفصیلی هریک خواهد آمد. فارابی تأکید می‌کند که انسان برای رشد عقلانی نیازمند تعلیم و تعلم است و بدون آن، عقل بالقوه هرگز به فعلیت نمی‌رسد و انسان‌ها به دلیل نبود آموزش صحیح، نمی‌توانند به‌درستی از نیروی عقل خود بهره ببرند. در کتاب «تحصیل السعادة»، فارابی توضیح می‌دهد که افراد ناآگاه به دلیل ضعف در درک حقیقت، به باورهای نادرست گرایش پیدا می‌کنند و از مسیر عقلانیت فاصله می‌گیرند (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۴۸-۵۰). همچنین در «تحصیل السعادة» می‌نویسد: «هیچ فردی به کمال عقلانی نائل نمی‌شود، مگر آنکه آموزش فلسفی ببیند و به مدد منطق، از آراء فاسد و تصورات نادرست رهایی یابد» (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۴۸-۵۰). در جوامعی که دسترسی به آموزش صحیح محدود است و علوم عقلی جایگاهی ندارند، افراد در سطوح ابتدایی عقل باقی می‌مانند و از درک حقیقت عاجز خواهند بود. فارابی، جوامعی را که مردم آن توانایی تمیز خیر و شر را ندارند، مدینه جاهله می‌نامد. در چنین جوامعی، افراد به جای جست‌وجوی حقیقت، درگیر روزمرگی و لذات مادی هستند و حتی ارزش عقل را درک نمی‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که تربیت عقلانی بی‌اثر شود و جامعه به‌سوی سطحی‌نگری و عوام‌گرایی سوق پیدا کند. پس، یکی از موانع اساسی عقلانیت، جهل و ناآگاهی است.

او در کتاب «آراء اهل المدینة الفاضلة» بیان می‌کند که بسیاری از افراد، به‌جای تفکر مستقل، از آراء دیگران تبعیت می‌کنند؛ بدون آنکه صحت و سقم آنها را بررسی نمایند (فارابی، ۱۳۷۹). فارابی تقلید را زمانی مفید می‌داند که در مسیر حقیقت باشد؛ اما تقلید بی‌چون‌وچرا از عقاید گذشتگان و سنت‌های نادرست را مانعی برای تفکر عقلانی می‌شمارد. او در «السیاسة المدنیة» بیان می‌کند که «اگر مردم به عادات و باورهای کهن چنان وابسته شوند که هیچ پرسشی درباره‌ی درستی یا نادرستی آنها مطرح نکنند، عقلانیت در آن جامعه، زوال خواهد یافت» (فارابی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵-۱۳۰). به اعتقاد او، انسان باید به کمک عقل خود، باورهای رایج را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد و از پذیرش بی‌دلیل آنها بپرهیزد.

بنابراین، تعصبات و تقلید کورکورانه نیز از دیگر موانع جدی عقلانیت محسوب می‌شود.

فارابی در «تحصیل السعادة» به ارتباط عمیق میان اراده، تربیت اخلاقی و رشد عقلانی می‌پردازد (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۴۰-۵۰). او معتقد است که ضعف اراده، مانعی جدی برای دستیابی به سعادت حقیقی است؛ زیرا انسان را از پیروی از عقل بازمی‌دارد و او را به‌سوی امیال ناپایدار و لذت‌های زودگذر سوق می‌دهد. از دیدگاه فارابی، عقل هنگامی به کمال می‌رسد که فرد بتواند بر خواسته‌های نفسانی خود تسلط یابد و با اراده‌ای قوی، مسیر حقیقت و فضیلت را دنبال کند. وی معتقد است حتی اگر شرایط اجتماعی و آموزشی مناسب باشد، ضعف اراده می‌تواند مانع تربیت عقلانی شود. فارابی می‌گوید، تلاش فردی و پشتکار برای رسیدن به کمال عقلانی، ضروری است و بدون آن، حتی بهترین شرایط اجتماعی نیز بی‌فایده خواهد بود. او بر این باور است که بدون اراده‌ای استوار، قوه ناطقه انسان در سیطره قوای پایین‌تر قرار گرفته و از درک معقولات بلندمرتبه بازمی‌ماند. بر این اساس، یکی دیگر از مواردی که مانعی جدی بر سر راه رشد عقلانیت و تربیت عقلانی است، ضعف و سستی در اراده است (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۴۰-۵۰). فارابی با الهام از فلسفه ارسطویی، تأکید می‌کند که اگر انسان نتواند تعادل میان قوای عقلانی و شهوانی را برقرار کند، عقل او به‌درستی کار نخواهد کرد (فارابی، ۱۳۹۸، ص ۴۸-۵۰). در این صورت، تمایلات نفسانی باعث می‌شوند که افراد به‌جای تعقل، به لذات زودگذر و ناپایدار روی آورند. فارابی در کتاب «تحصیل السعادة» به تفصیل درباره تفاوت بین سعادت حقیقی و لذت‌های مادی صحبت می‌کند و می‌گوید تعلق به امور مادی و دنیوی، انسان را از شناخت حقیقت و سعادت واقعی بازمی‌دارد و او را درگیر لذت‌های زودگذر می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۷۵-۸۰). می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از موانع بزرگ عقلانیت، غلبه قوای شهوانی و غضبی بر نفس است.

وی در کتاب «السیاسة المدنیة»، به مدینه فاسقه اشاره می‌کند، جایی که مردم حقیقت را می‌شناسند، اما به دلیل فساد اخلاقی و تسلیم شدن در برابر امیال، از آن پیروی نمی‌کنند. او در این زمینه می‌گوید: «آنان که در دام شهوات گرفتارند، از درک حقیقت عاجزند، چراکه عقل‌شان مغلوب خواهش‌های نفسانی است» (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۳). در مدینه فاسقه، افراد حقیقت را می‌شناسند؛ اما از آن پیروی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، مردم از نظر عقلی و اخلاقی فاسد هستند. آنها ممکن است به اصول اخلاقی و دینی آگاه باشند؛ اما عمداً از آنها سرپیچی می‌کنند و به رفتارهای نادرست و گناه‌آلود روی می‌آورند. این جوامع، از نظر فارابی بدتر از مدینه‌های جاهله هستند؛ زیرا مردم آنها آگاهانه راه فساد را انتخاب می‌کنند. در چنین جوامعی، علم و آگاهی به ابزاری برای فریب و منفعت‌طلبی تبدیل می‌شود و حکمت جای خود را به مکر، ریا و فریبکاری می‌دهد. بنابراین، تربیت عقلانی، مستلزم کنترل و تهذیب نفس است؛ تا قوای غیرعقلانی

مانع شکوفایی عقل نشوند. فارابی بر ضرورت تربیت اخلاقی و کنترل امیال در کنار رشد عقلانی تأکید دارد.

۶-۲. چالش‌ها و موانع اجتماعی

دسته دوم، چالش‌هایی است که در جامعه ظهور می‌کند و مانعی در مسیر کمال عقلانی و سعادت افراد جامعه ایجاد می‌کند؛ حل و رفع آن نیز در سطح جامعه، پیگیری می‌شود و منظور از جامعه، فرهنگ عمومی و رایج است که توسط عموم مردم ساخته و پرداخته می‌شود. این دسته موانع نیز در سه مورد مطرح می‌شود: فقدان الگوهای تربیتی، فقدان محیط فرهنگی مناسب و رواج جهل عمومی، و خطاهای زبانی. به باور فارابی زمانی که در جامعه حکما، معلمان و مربیان اخلاقی جایگاه خود را از دست بدهند و افراد سطحی‌نگر و سودجو به عنوان الگو معرفی شوند؛ ارزش‌های والای انسانی دچار انحطاط خواهند شد. بنابراین، یکی از ریشه‌های اصلی انحراف از مسیر عقلانیت و حرکت در مسیر فساد اخلاقی، فقدان الگوهای تربیتی مناسب است. فارابی بر این باور است که فرهنگ یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر رشد عقلانی افراد دارد. در جامعه‌ای که خرافات، جزم‌اندیشی و دانش نادرست گسترش یافته باشد، افراد از تفکر عقلانی دور شده و در دام خطاهای شناختی گرفتار می‌شوند. او در «آراء اهل المدینه الفاضله» تصریح می‌کند که «شهرهای جاهله، آنهایی هستند که در آنها مردم به جای حقیقت، به اوهام و خرافات دل بسته‌اند و حکمت در آنها غریب است» (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۶). در سطح اجتماعی، فقدان یک محیط فرهنگی مناسب و رواج جهل عمومی، از مهم‌ترین موانع تربیت عقلانی است. بنابراین، وجود یک فرهنگ عقل محور، لازمه پرورش عقلانیت در افراد است.

فارابی در کتاب «الحروف»، به بررسی نقش زبان در تفکر و عقلانیت می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه خطاهای زبانی می‌توانند منجر به سوء تفاهم و اشتباهات منطقی شوند (فارابی، ۱۳۸۹، ص ۵۱). به نظر او، استفاده نادرست از مفاهیم و الفاظ، درک صحیح از امور را مختل کرده و مانع از رشد تفکر عقلانی می‌شود. آنچه فارابی درباره وضع و گماشتن زیر دید چشم (به معنای قرار دادن چیزی در معرض نگاه) در کتاب «الالفاظ المستعمله فی المنطق» (۱۳۸۸) بیان می‌کند، به نوعی به مسئله خطاهای زبانی نیز مرتبط است؛ زیرا زبان، واسطه‌ای برای انتقال مفاهیم است و اگر در وضع نشانه‌های زبانی یا بصری اشتباهی رخ دهد، فهم دچار اختلال می‌شود. خطاهای زبانی می‌توانند ناشی از سوء تعبیر در گماشتن واژه‌ها، ترتیب نادرست نشانه‌ها، یا عدم انطباق دقیق الفاظ با معانی باشند؛ همانطور که در گماشتن اشکال و ترتیب امور دیدنی نیز امکان بروز خطا وجود دارد. بنابراین، دقت در وضع الفاظ و مفاهیم، مشابه دقت در گماشتن امور دیدنی، برای رشد قوه درک و عقل، ضروری است. بر این اساس، یکی دیگر از موانع،

خطاهای زبانی است (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷).

۳-۶. چالش‌ها و موانع حکومتی

سومین دسته از چالش‌های مسیر رشد و شکوفایی عقل و طی مسیر کمال و سعادت، مواردی است که در مقیاس حکومتی ایجاد و بررسی می‌شود. هرچند حکومت در مفهومی کلی، ذیل جامعه قرار می‌گیرد؛ ولی در این پژوهش، از این منظر که ساختارهای حکومتی و حاکمان مورد نظر هستند، حکومت با فضای عمومی جامعه تفاوت دارد. این موانع در دو مورد مورد مطرح می‌شود: ساختارهای حکومتی دور از خرد و حکمت، حاکمان جاهل و جائز. البته، شایان ذکر است که این دو مورد، بسیار نزدیک به هم و بلکه درهم تنیده هستند؛ ولی در شرایط جوامع امروزی که ساختارهای شکل‌یافته، حتی مانعی بر سر راه حکیمان می‌شوند، ذکر مستقل آن، لازم و قابل توجه است. در نظر فارابی، جامعه ایده‌آل جامعه‌ای است که در رأس آن «رئیس اول» یا فیلسوف-پادشاه قرار دارد که خود به مرحله عقل بالفعل رسیده است (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷، ۲۶۹). اما در جوامعی که حکومت‌های استبدادی و غیرعقلانی حاکم‌اند، تفکر عقلانی مردم سرکوب می‌شود و شرایط برای تربیت عقلانی فراهم نمی‌گردد. حکومت‌های مستبد و غیرفاضله نیز به‌عنوان یکی از موانع اصلی تربیت عقلانی در اندیشه فارابی مطرح شده‌اند. او تأکید دارد که در حکومت‌های غیرفاضله، حاکمان به دنبال حفظ قدرت خود هستند و از آگاه شدن مردم، بیم دارند. در چنین جوامعی، نه‌تنها آموزش فلسفی و عقلانی ترویج نمی‌شود؛ بلکه مردم به عمد در جهل نگاه داشته می‌شوند. فارابی در «المدينة الفاضله» اشاره می‌کند که «حکومت‌های جائز، مردم را از دانش حقیقی دور نگاه می‌دارند؛ چراکه بقای آنها در گرو ناآگاهی و تسلیم‌پذیری توده‌ها است» (فارابی، ۱۹۹۵). فارابی این جوامع را مدینه ضاله می‌نامد، یعنی جایی که مردم و حاکمان، هر دو در باورهای نادرست غوطه‌ورند و مسیر تربیت و سعادت را گم کرده‌اند. در چنین شرایطی، حاکمان به‌جای حمایت از آموزش و پرورش عقلانی، نهادهای فکری را تضعیف و حقیقت را تحریف می‌کنند. آنها دانشمندان و حکما را کنار می‌زنند و به‌جای عقلانیت، عوام‌گرایی و احساسات سطحی را ترویج می‌دهند. این مدینه‌ها از نظر فارابی خطرناک‌تر از مدینه‌های جاهله هستند؛ زیرا مردم آنها گمراهی خود را نمی‌فهمند. بنابراین، از موانع تربیت عقلانی که فارابی به آن اشاره می‌کند، ساختارهای حکومتی است که مبتنی بر خرد و حکمت نیستند (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۶-۲۷۶). در مجموع، فارابی موانع عقلانیت را در سه سطح فردی، اجتماعی و حکومتی بررسی کرده و بر این باور است که مواردی که ذکر آن رفت، از مهم‌ترین عواملی هستند که مانع رشد عقلانی انسان می‌شوند. به عقیده او، غلبه بر این موانع، تنها در صورتی ممکن است که آموزش فلسفی و عقلانی در جامعه گسترش یابد، حکمرانی براساس خرد و حکمت شکل گیرد، و فرهنگ عمومی

بر پایه تفکر عقلانی استوار شود. در غیر این صورت، جامعه دچار رکود فکری شده و از مسیر سعادت حقیقی بازخواهد ماند (فارابی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۰؛ ۱۳۸۹، ص ۵۱).

۷. نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت عقلانی در اندیشه فارابی، نه تنها یک ضرورت فردی، بلکه بنیانی برای تحقق سعادت اجتماعی و سیاسی است. فارابی بر این باور است که پرورش عقلانیت، شرط اساسی برای دستیابی به جامعه‌ای آرمانی است؛ اما موانع متعددی مانع از تحقق این هدف می‌شوند. این موانع را می‌توان در سه سطح فردی، اجتماعی و حکومتی بررسی کرد. در سطح فردی، عواملی مانند جهل، تعصب، تقلید کورکورانه، ضعف اراده و غلبه امیال نفسانی موجب انحراف از مسیر عقلانیت می‌شوند. در سطح اجتماعی، فقدان الگوهای عقلانی، فرهنگ عمومی ناسالم و رواج جهل عمومی و خطاهای زبانی از جمله چالش‌هایی هستند که رشد تفکر عقلانی را مختل می‌کنند. در نهایت، در سطح حکومتی، ساختارهای سیاسی غیرعقلانی، استبداد و عدم شایسته‌سالاری از جمله عواملی هستند که تربیت عقلانی را در سطح کلان جامعه دچار بحران می‌کنند. بدون برطرف کردن این موانع، تحقق جامعه‌ای خردمحور و اخلاقی دشوار خواهد بود. بنابراین، برای ایجاد تحول در نظام تربیت عقلانی، اصلاحات بنیادین در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و سیاسی ضروری است. در حوزه آموزش، لازم است که نظام‌های آموزشی به سمت پرورش تفکر انتقادی و استدلال منطقی حرکت کنند و در کنار آموزش مهارت‌های کاربردی، بر تقویت عقلانیت نیز تمرکز داشته باشند. در حوزه فرهنگ، گسترش آگاهی عمومی، مقابله با خرافات و ترویج عقلانیت از طریق رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سطح تفکر عقلانی جامعه ایفا کند. در حوزه سیاست، حکمرانی باید بر پایه خردورزی و شایسته‌سالاری استوار باشد و زمینه‌ای برای رشد فکری و اخلاقی افراد فراهم آورد.

تحلیل موانع تربیت عقلانی از منظر فارابی، نشان می‌دهد که بسیاری از چالش‌های جوامع معاصر، از جمله بحران در حوزه آموزش، ضعف در اندیشه‌ورزی انتقادی و سلطه نگرش‌های غیرعقلانی در سیاست و فرهنگ، همچنان مسائلی بنیادین به‌شمار می‌آیند. از این رو، بازخوانی دیدگاه‌های فارابی می‌تواند راهگشای حل بحران‌های فکری و فرهنگی معاصر باشد. با بهره‌گیری از آموزه‌های او، می‌توان به بازسازی بنیان‌های فکری جامعه و ایجاد بستری برای توسعه خردورزی و عقلانیت کمک کرد. در نهایت، تحقق مدینه فاضله‌ای که فارابی از آن سخن می‌گوید، نه یک ایده‌آل دست‌نیافتنی، بلکه مسیری قابل تحقق در صورت پایبندی به اصول عقلانی و اخلاقی است. برای بهبود تربیت عقلانی در جوامع معاصر، اصلاح نظام آموزشی لازم است؛ به‌گونه‌ای که مهارت‌های تفکر انتقادی، استدلال منطقی و تحلیل مستقل در

دانش‌آموزان تقویت شود. افزودن دروس فلسفه، منطق و آموزش تفکر خلاق می‌تواند در این مسیر مفید فایده باشد. فارابی در کتاب «الالفاظ المستعمله فی المنطق» خود، مفصل به توضیح اهمیت آموختن منطق می‌پردازد. وی در این کتاب می‌گوید: «منفعت صناعت منطق، نیرو بخشیدن به ذهن ما است؛ تا پذیرش‌های آن را که درست یا نادرست است، از یکدیگر جدا و متمایز کنیم» (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰). آموزش منطق باید بر هر آموزش دیگری مقدم شود. منطق که مفید عقل است، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ تا بدانجا که اولین مرتبهٔ سعادت، تحصیل منطق است. مردم در بدیهیات دچار اشتباه نمی‌شوند؛ اما معقولاتی هست که باید از طریق فکر و قیاس و با استدلال درک شود و انسان در فهم این قبیل معقولات، به منطق نیاز دارد (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۶۷-۶۸). علاوه بر این، باید نقش معلمان و مربیان را تقویت کرد و آنها را با روش‌های پرورش عقلانی آشنا ساخت؛ تا دانش‌آموزان را به‌سوی تفکر مستقل هدایت کنند.



— منابع —

- آرنت، هانا (۱۴۰۲). میان گذشته و آینده. ترجمه س. مقدم. تهران: اختران.
- اکبری بورنگ، محمد؛ پور، سمیرا (۱۴۰۰). تحلیل داده‌های کیفی با رویکرد پدیدارشناسی: مبتنی بر روش کلاسیزی. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹). فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: انتشارات سخن.
- عادل‌زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضا علی؛ رحمانی، جهانبخش (۱۳۹۸). اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷ (۴۴)، ص ۵-۲۴.
- عادل‌زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضا علی؛ رحمانی، جهانبخش (۱۳۹۹ الف). تدوین مدل تربیت عقلانی فارابی با تأکید بر عقل نظری. پژوهش‌های تربیتی، ۷ (۴۱)، ص ۱۴۰-۱۶۲.
- عادل‌زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضا علی؛ رحمانی، جهانبخش (۱۴۰۱). الگوی تربیت عقلانی از منظر فارابی با تأکید بر عقل عملی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۸ (۳)، ص ۱۱۹-۱۴۱. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2021.35487.3295>
- عادل‌زاده نایینی، فریبا؛ نوروزی، رضا علی؛ رحمانی، جهانبخش (ب ۱۳۹۹). روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی. انسان‌پژوهی دینی، ۱۷ (۴۴)، ص ۹۳-۱۱۷. <https://doi.org/10.22034/ra.2021.116743.2422>
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۹). سیاست مدنی. ترجمه ح. ملک‌شاهی. تهران: سروش.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۸۸). الافاظ المستعمله فی المنطق. ترجمه و شرح حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۸۹). احصاء العلوم. ترجمه حسین خدیوچم. تهران: علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۹۶). سیاست مدنی. ترجمه ح. ملک‌شاهی. تهران: سروش.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۹۷). آراء اهل المدینه الفاضله. قم: دار زین العابدین.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۹۸). هماهنگی افکار دوفیلسوف. ترجمه ع. م. مشکوه‌الدینی. قم: فاطمه الزهرا.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۴۰۵ق). الفصول المنتزعه. مصحح ف. نجار. المکتبه الزهراء.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۹۹۵). تحصیل السعاده. شرح علی بو ملحم. بیروت: دار و المکتبه الهلال.
- فریره، پائولو (۱۴۰۳). تعلیم و تربیت ستم‌دیدگان. ترجمه پ. قائمی. تهران: آشیان.
- گال، مردیت دامین؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۴۰۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه جمعی از مولفان) تهران: سمت، ج ۱.
- مارکوزه، هربرت (۱۴۰۲). انسان‌تک‌ساحتی. ترجمه م. مؤیدی. تهران: امیرکبیر.
- نانکلی، یاسر؛ میرزاحمدی، محمدحسن؛ ایمانی، محسن (۱۴۰۰). تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۲.
- هابرماس، یورگن (۱۴۰۰). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: مرکز.
- Colaizzi, P.F. (1978). *Psychological research as the phenomenologist views it*. In: R.S. Valle & King, M. (Eds.), *Existential phenomenological alternatives for psychology* (pp. 48-71). New York: Plenum.
- Dewey, J. (2021). *Democracy and education: An introduction to the philosophy of education*. Independently Published.

Lipman, M. (2012). *Thinking in education* (2nd ed.). Cambridge University Press.

<https://doi.org/10.1017/CBO9780511840272>

Valle, R.S. (Ed.). (2012). *Existential-phenomenological perspectives in psychology: exploring the breadth of human experience*. Springer.

